

فارابی و پرسش از حقیقت ادراک؛ بازخوانی انتقادی دیدگاه ملاصدرا

قاسم پورحسن^۱، علی پیری^۲

چکیده

یکی از مهمترین و دقیقترین مسائل در فلسفه معرفتی فارابی، پرسش از ادراک و نسبت آن با نفس، عقل و ارتقای وجودی است. فارابی در گسستی آشکار از ارسطو، نظریه منفعل بودن نفس در ادراک را بچالش کشیده و نفس را خالق ادراک دانسته است و بدین ترتیب بنیاد نظریه فعال بودن نفس را پیریزی کرده است. این دیدگاه در ادامه سنت فلسفی اسلامی بر آراء تمامی فیلسوفان، از ابن سینا تا علامه طباطبایی، تأثیرگذار بوده است. فارابی ادراک را با ظهور و حضور که عمدتاً در فلسفه سهروردی و ملاصدرا مورد بحث است، پیوند داده و از منظر هستی‌شناسی ادراک دفاع کرده است. خلاقیت نفس در ادراک، مراتبی دانستن ادراک و معرفت، التفات به حیث ظهوری و وجودی معرفت، تفتن به دهشی بودن معرفت در کنار اهمیت دادن بنیادین به ادراک حسی، نقد معرفتهای غیریقینی و طرح دیدگاهی بنیادین در باب معرفت یقینی، و بالأخره فرایندی تلقی کردن ادراک، از ابتکارات فلسفی فارابی محسوب میشود. در نوشتار حاضر بنحو تطبیقی کوشش خواهیم کرد مسئله ادراک و سرشت آن در اندیشه فارابی

۸۷

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ porhassan@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ a_piri2000@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.11.4.5.4

را با نگاهی به آراء سایر فیلسوفان مسلمان بررسی کرده و اهمیت دیدگاه فارابی در باب ادراک را بتصویر بکشیم.

کلیدواژگان: فارابی، ادراک، حضور و ظهور، تجرید و تقشیر، یقین، ادراک و هستی.

* * *

مقدمه

معرفت‌شناسی را باید دانش مطالعه باوری صادق دانست که بسبب پشتوانه دلایل در توجیه درستی آن، امکان دستیابی به یقین را برای آدمی میسر میسازد. میتوانیم هر دو نوع مواجهه واقعیت‌محوری و نفس‌محوری (دستگاه‌شناختی) را در فهم معنای صحیح معرفت، بنیادین تلقی کنیم. سه پرسش چیستی ادراک، فرایند کسب شناخت و دلایل درستی و نادرستی باورها، مهمترین پرسشهای معرفت‌شناسی است. سقراط در رساله فایدروس تصریح کرده که دانش واقعی بدنبال شناخت حقیقت است. او معتقد است آدمی ابتدا تصور میکند که حقیقت همان صورتهای جزئی است اما با سیر نفس بسوی حقیقت درمی‌یابد که حقیقت، جز آن است که ما حقیقت میخوانیم. به باور سقراط، تنها خرد و آنهم خرد مرد حکیم است که میتواند بدرستی معنای حقیقت را دریابد (افلاطون، ۱۳۶۲: ۱۴۳-۱۳۹).

نخستین پرسش سقراط از تئتوس نیز اینست که ذات و سرشت معرفت چیست و چگونه بوجود می‌آید؟

فارابی در رساله‌های مختلف خود از جمله در سه رساله التعليقات، الجمع و دانش الهیات کوشیده است با ابتناء بر عقل و دستگاه خرد، معنای ادراک را تبیین نموده و سرشت معرفت را بیان نماید. کوشش فارابی در درجه اول بر گسست معرفتی او از ارسطو بنیان نهاده شده و بروشنی از نظریه انفعال نفس ارسطویی عدول کرده و ضمن نقد نقش محوری قوا در ادراکات، میکوشد تا نشان دهد که نفس نقشی بنیادین در معرفت داشته و در ایجاد آن دست به